

نویسد

سال سوم، شماره ۲۲، شنبه ۲۲ فروردین ۱۳۵۷

(وابسته به حزب توده ایران)

دیکتاتور آزاد میخواهشده!

شاه در روز ۲۷ اسفند گذشته در احتیاج آزرگان پالایشگاه آبادان، ضمن یکی از حملات تندیهای مائیفولپانی و آذنته همیگی... از توده دار که آزادی برای فردی را بفرماید به روز بیشتر بسوزم... میزدیم... او همان روز درین صاحبه خطباتی که در فروردگاه آبادان برگزار شده یاد کردست در کتبیه برفتن خود بود... میزدیم... فایده حاتم مناسی معاصر و منشی حرف و وعده و دروغ گفته بدست در آن مردم در رخند که با آزار بهار باید حد اکثر رسانده ایم و بسا اینکه در راه انتقاد اند که از آن سزا استفاده کند، ایمن سیاست حد اکثر آزادی را داده ایم.

در این گفتات شاه که مثل همه دروغشانی های شاهانه سرشار از کینه نفوذ و دروغین حرف و خشم و جین است و حقیقتی نهفته که باید پرستند آنرا تکلیف تا جگرک و تعفن درونی آن بیرون ریخته شود و زنده و غیره مرضی که سفاکین دیکتاتور در روزهای آزادی پیچیده است و موضوع دیده شود، حرف در باره آزادی ما هیاست که بصورت هدایان بر زبان دیکتاتور و اطوان وانصاف و عزت مازان و سیاست بازی و جینگریان و اقلتای دار و دسته استبداد می جاریست. گوش صافه هایک شبه خواب نسا شده اند و نواید و صورت آزادی بر وحی آسایر آنها نایل شده و بسا حالا جناح داران و درهان گذران و در زمین و زیر علم و کسل آن آزادی که شاه سعی است حد اکثر را بر مردم بنشیند، سینه میزند و در وحی میکند و در عرصه حرف با هم کوس روایت میزند... در حالیکه کونهای آزادی و حوش و قارنا زمانه در لقت های که که آزادی را بستند آنی میسوی روی صحنه آورده اند و پرشده هنوز کسی نمیداند آن آزادی که شاه آزادی کبر آزادی میزند چه صفتی میدهد؟ چه حد و تصور دارد؟ چگونه آمده بسا فرارست بیا به و توسط چه نیروی جزا است و تعین میسوی ۲ اصلا آزادی بسن آبروی پستی چه؟

شاه در منطق و مذهب اختری سرانجام به این ملاحظات پاسخ داد و همین نکته است که با مائیفولپانی او را در خور بررسی میکند. شاه گفت: "ما آزار بهار به حد اکثر رسانده ایم". در همین کلام مختصر فطوری که دیکتاتور از آزادی انتظار دارد نفسی میزند شده است. شاه با زبان بی زبانی میگوید: آن چه که همکار در حال حاضر را به حد اکثر آزادی است. تحصیل حزب واحد سارایک حد اکثر آزادی است و حرکتی از فعالیت احزاب و سازمانها و سندیکاهای کوسبو و جمعیت های سیاسی و هنسی و فرهنگی و صفتی حد اکثر آزادی است و سانسور اخبار کسینتسه روزنامه ها و مطبوعات کتاب و نشریات و حد اکثر آزادی است و دانش در هموار زندانی سیاسی و ساختن جنون آمیز زندانها و شکنجه کاهای ناویم بازگشتن دست یک مشت کتاو کوسبو و صفتی سارایک بیرون و مال و ناموس آزادی مردم و حد اکثر آزادی است و گشتن کارهای انتظامی در دانشگاهها و فوج و شتم و تعقیب و آزار ها و در اندام و استادان و معزومین با استعدادهای تین و جین بیست تین فرزندان خلق از تعصبات کمان حد اکثر آزادی است و بوزر اماشان جفا بدست و جاسوس مانی میزدی و کارهای شوم زبان در لبا بر جمل به اختصا است سلامت آمیز مردم - نظیر کاروانسکین و لایمان و طباقب دانشگاه صفتی و ساعد و غیره - حد اکثر آزادی است و گشتار بر حمله مردم بی سلاح در دم و تیز و براه انداختن حمام خون آزادیخواهان و حد اکثر آزادی است و تمجد و تعقیب میانیسون شرقی و صومیت و صفتی سخرانی آنان و حد اکثر آزادی است

در ناله در صفحه ۲



با آرمان های سوسبز و فنا ناپذیر همه
شهیدایمان،
با عزم یورنج و تپش همه زندانیان
سرافرازمان،
باز فرمعه پاک و توانای خلق
که پلک های سحر را می کشاید،
به پیشبان
نوروز و بهار
می روییم...

اعتصاب غذا در زندان قصر و تظاهرات خانواده های زندانیان سیاسی

نتیجه او تکلیفند و اکثر اعتصاب نکردند. در این روزها آنها بسا تنهاجای همین میخورند و باید برفتن فداء بانک برکسا ترو اشتراک خود را مصداق ترکوند. زندانیان اعتراض تپش بسا کردند که در صورت ادامه بی نتیجه نیست به نیازها و خواستهای آنان و اعتصاب غذا کردند و حتی لب بروی آب خزانندست. روز پنجشنبه ۲۰ دیماه خانواده های که بملاقات زندان سیاسی آمده بودند بطیرم روزهای ملاقات قبلی که موفق بدیدار آنها نشده اند و باقی چند از زندان خود ملاقات کردند. زندانیانی که ملاقات آمده بودند خانواده ها را از جریان اعتصاب غذای درین زندان آگاه ساختند اما خانواده ها نیز از آشکار و علق مشکوک نظیر صافی صبی و اشرف ک که درین صورت زندانیان ندیده اند اما بدوسی و خشن حاکم مانع از آن دانستند از فرزندان در لیدر درین خود توجیح بنموشند. زنان یاد بدین این مشخروه و شهنه خرافات بر سو سینه خود کاشته و فریاد خشم و درد آنها از هزار نام در زندان و میسور و در همان حالسوسون زندان قصر و انکار برافته بهتر از... زن چادر بیرون در حالی که توسط در همان از دیگر اعضای خانواده های زندانیان سیاسی شایعست میزند. از خلیبان پلیر بسوسو حیایان گورن برادری که هم ناله بود هم نمره بود هم خنده و شگنده بود و فریاد میزند:

حد نوروز اسال در شرجای در همین مائناز شد که زندانیان سیاسی زندان قصر چند روز پیش از آن دست به اعتصاب غذا زدند بودند. البته نامردی در عجبان او امسال حتی شادی حد را که بهر حال در دریا می کشاید و تیره اشتیاق میزند حالسوسو کامل با نده از غورترین فرزندان خلقهای مادر بدیدند در همان ساعات و روزهای که زندانیان سیاسی ضرر بخاطر اعتصاب غذا می طرانی در سیز مرگ و زندگی سر میبردند و خانواده های آنها در یک سلسله تظاهرات پر شور افشاکرانه خیابانی و مردم راسه همدردی و یاری سازان اعتصابی فرخاندند و با دست های گره کرده و گلوهای بغرنج و کتبی و جینهای شعله و راز آتش خشم و کین و در خیابانهای تهران شعار دادند و صدای اسپران و عزیزان خود را بگوش خلق رسانند در آواز خیابانی که در پیشت در بارهای بلند میله های و قصبای امتی زندانیان سیاسی بر همین پرست تین زبان و مردان ایران میورد پرده برداشتند. اعتصاب غذای زندانیان سیاسی بدین تالی بی توجیبی حدی بسه خواستهای حد آنها از طرف ستوان زندان قصر آغاز شد. زندانیان امیدوار که تنها چنانچنان مشق به توده ها و حقیقت و عدالت و آزادی است و میفاهند که از حد اقل حقوق انسانی یک زندانی سیاسی برخوردار باشند اما همین حد اقل انتظار با محاربت و تماشای خناب گانه بهم میسورست. معجزین خواستهای زندانیان میزیست از: بسوسو بسیار بدفدای زندان و آزادی - ملاقات با اقوام و آشنایان که کم کردن از تعداد افرادی زندانی در هر بند که در حال حاضر مشکلات زیادی را از جهت کمبودها موجود آورده و امکان استفاده از آزادی و سرانجام و از همه معجزه تپش به نظر میسورست در احتیاط خالطانه بداد که همیسی نظامی اما اولیای زندان باید واقع گشتان و هر غضب های سارا و به بیانه های راهی از بدترین این تقاضا های اولیسی سباز زندان. زندانیان سیاسی برای بدست آوردن خواستهای خویش اعتراض خود را به اشکال مختلف ابراز داشته و نسبت چند هفته به ملاقات خانواده های خود نرفتند و چون بسا ز

کارگران ایران، در راه احیای سازمان های صفتی و سیاسی خود مبارزه کنید!

حوادثی

که رژیم از انتشار آنها وحشت دارد

از گوشه و کنار کشور

اعتصاب پیروزمندان

کارکنان صندوق تأمین اجتماعی

کارکنان صندوق تأمین اجتماعی (واقع در خیابان آیتنیاور) روز چهارشنبه ۱۷ اسفند ماه گذشته دست بااعتصاب بگذاشته و پرسه‌بردند و حداقلی زدند. اعتصاب کنندگان که تعداد آنها از ۱۰۰ نفر بیشتر بود، خواستار افزایش خیر حقن خود از ۷۰ سال به ۸۰ سال بودند. با آنکه از نظر قانونی دست بااعتصاب بر اساس احکام صریحی در قانون حقوق کارکنان دولت ترمیم شده و در وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی این افزایش حقوق از تریک به یکسال بیشتر پرداخت می شود، در صندوق تأمین اجتماعی راسته بسته وزارت بهداشت و سازمانهای دولتی این افزایش حقوق از تریک به یکسال بیشتر پرداخت می شود. با این حال، در وزارت معادن و صنایع معدنی نیز این افزایش حقوق در نظر گرفته شده است. در وزارت معادن و صنایع معدنی نیز این افزایش حقوق در نظر گرفته شده است. در وزارت معادن و صنایع معدنی نیز این افزایش حقوق در نظر گرفته شده است.

اعتصاب درد دانشگاه زاهدان

دانشجویان دانشگاه زاهدان ساعتی عمل عام و جنبشنامه ی مردم قهرمان تیریزندت بیهفته اعلام اعتصاب نموده و از رفتن به کلاسها خودداری کردند. همسنگی و اتحاد عمل دانشجویان در این اعتصاب بسیار درخشان بود. این همسنگی و اتحاد تشریحی پیوسته اعتصاب آبان ماه گذشته آبان بود که با ماهی "گنجینه مریخی مسایل دانشجویی" که جهت برخی استنادات شرعی ایمن دانشگاه موجود آمده است که کامپی رسد، و دانشجویان توانستند به نظام حواشیهای صحنی خود دست یابند.

اعتصاب در

دانشسرای تربیت معلم زاهدان

چندی پیش در دانشگاه زاهدان دانشسرای تربیت معلم زاهدان دست بااعتصاب بگذاشته ای زدند. مسئولان دانشسرا از تعطیل اعلام کرده و اقدام به تیرت نام معد نمودند. از دانشسرای ساجسن خواگانه خواستند که خواگانه را تخلیه کنند و هنگامیکه دانشجویان از این پرورش این تحصیلان و زورگیری های غیر قانونی به جای زنده به پهنس خواگانه را رها کرده کرد و از ورود هرگز نه جواد غنی بحدوث یک هفته به خواگانه و دانشجویان خنجر کشی نمود. دانشجویان سرانجام پس از یک هفته طاقت در برابر اقدامات جبارانه و بی انسانی مأموران رژیم همساز گفتش با طاعت دانشسرای اعتصاب خود پایان دادند.

بزرگداشت خاطره شهدای تبریز

در همدان

روز ۲۲ اسفندماه گذشته مردم همدان در مسحه بزرگ شهید (محمدحاج) برای بزرگداشت خاطره شهدای تبریز اجتماع بزرگی بر پا کردند که در آن هزاران نفر شرکت داشتند. این مراسم بدینال اعلامه ای که شب قبل از آن از مطبوعات و رسانه های آزاد بدووا انتشار یافت صورت گرفت. در این مراسم چهار تن از روحانیون شهیدساز و آزاد پرده همدان به پاساد شهیدای حوادث خونین تبریز سخنرانی کردند. این مراسم در محاسره کامل نبروهای گردنجهانی و ایست و در شرایط نبرد سلسله هادرتیجابت آراش بر گزار شد. بنوریکه بهانه تهاجم به گزراهای شاه نهاد. مردم همدان و همدان اطراف آن با بسی گزراهی پیوسته اند این اجتماع افزاینی، طوفان نبرد های جدی حال رژیم و همسنگی خود را با ما زبات بر شور مردم دیگر تقاضا ط کشور پیوسته مردم قهرمان تبریز تا یکد کردند.

در عرش تکرده شاه ...

روزنامه آلمانی "برلینر زیونگ" در شماره ۳۰ سپتامبر ۱۹۷۷ خبر یکی از معاملات جنسی شنی شاه را نام زد. شاه و کامرسن شهوت و ستاره سکسی آلمانی را که تیرا در نیمه سگی "فهاد" تیره شب "یده بود از طریق یک اوانسیر فهاد برای بسک خوتر گذرانی چند ساعته یکی از شکنجه های خود دست کرد و در ارازی آن به او ۷۰ هزار تومان پرداخت. ستاره سکسی آلمانی گفته است که "شاه بین سفارش کرد در این باره سکسی چیزی نگویم". کاین شهوت حزبیت تمام آور رابطه جنسی محدود را شانه در مدت انتشار در کاغذ از برای خبرنگار روزنامه آلمانی تشیح کرده و گفته است که شاه هنگام بازگشت به او یک کد تپیده گرانبیا مرکب از ۳۰ نوع از جواهرات سلطنتی نیز عده داده است.

بیان نامه اعتراضی روزنامه نویسان

۱۰ تن از نویسندگان و خبرنگاران گزراهنگران و خردمندان مطبوعات ایران در تاریخ سهیت و هفتم اسفند ماه گذشته طبعی نامه ای خطاب به آموزش و تربیت و هنر اعتراض نموده به صیقل اختناق و سانسور تحمل شده از طرف رژیم بر مطبوعات کشور و خواستهای قانونی خود را در جهت برداشتن سده های اختناق جود تا یکد قرار دادند.

روزنامه نویسان در بیان نامه خود عده های تو خالی دولت آموزش را در جود آزادی بیان و علم یاد آور شده، میگویند: "بگمان شهوت تغییر شعار اساسی ایران و جهان شاد را بر آن داشته که در صحنه "رئیس الوزاری" به صورت اچ نهادن بر حرمت و اعتبار آن بنده و قطره مطبوعات و اخباری داشته باشند. اسلام است که هرگز این سخنان در سطح حد اقلی یافته باشد. بصورت طش را که به هوشیاری شهوات شهوت است مطابق خواهی کرد، ملی، در مرتبه مطبوعات ایران، از روزی که کابینه شهادت را در دست گرفته است نه تنها "آزادی بسلی" روزنامه ها "برقرار نشده، بلکه "صوری" ایجاد می شود نیز یافته است... دولت تحاصف اعمال ندهد بدترین نوع سانسور مطبوعات که مطابق اصل بیستم ضم قانون اساسی ایران منوع است، از طریق مجبور کردن مطبوعات و مخصوصاً روزنامه های کثیرالانتشار به ج اخبار عملی و طالات بدون اضای دولتی که در بسیاری از جوارده شایع خصوصی دور از واقعیت هستند به شیوه ای بی پرده مرکب جعل اخبار شده است و میشود و این خود مخالف قانون است."

نویسندگان و خبرنگاران خطوات در پایان نامه خود خواستهای قانونی خویش را بشیخ زیرورد تا یکد قرار داده اند:

- ۱- وایت کامل حوادثی اساسی و ضمن آن در باره طبعیات و نویسندگان جوابی.
- ۲- لغو کامل و فوری سانسور چنانکه در قانون اساسی صریح شده است و آزادی کچه نویسندگان خطوات کشور را انتشار مطابق و اثنای خاصه و ناراضیها در جوار ریویب قساقسن و و جلوگیری از اعمال نفوذ طاقت دولتی و عاملین آنها در جاصه مطبوعات.
- ۳- کمک بودن کچه خطوات دولتی در تهران و شهرستانها به وایت حقوق نویسندگان و خبرنگاران و مکان مطبوعات.
- ۴- جلوگیری از انتشار اخبار جعلی و خلاف صالح طست و شخصیتها شریف امتصاص و طش که در حال حاضر بطبوعات تحمل می شود.
- ۵- آزادی کتب اختیاز برای انتشار روزنامه و جمله طبعی موازین قانونی.

اعتصاب کلرکنان سازمان آب تهران

کارکنان سازمان آب تهران از روز شنبه ۲۰ اسفند ماه برای افزایش حقوق خود دست از کار کشیدند. اعتصابین خواستهای خود را بصورت اعلامه در محیط عمل کار خود پیش کردند...

دانشجویان برای احیای

کتابخانه های دانشجویی میکوشند

بدینال تهاجم گزراهی رژیم و تعطیل کتابخانه های دانشجویی در آستانه سال تحصیلی جاری و دانشجویان پرازیک رتخته مبارزات انترناسی و انضالی و تناخارات پر شره سازمان در واپس اسفند ماه تصمیم گرفتند رأساً کتابخانه های خود را از نو بسازند. بدین منظور بعمل سابق کتابخانه ها که برای مصارف دیگر اختصاص یافته بودند، به پراز تخلیه آنها کتابخانه ها را احیا کردند. در دانشگاه س علوم اجتماعی مسئولان عددرهنگ دانشگاه صحنی محصل کتابخانه را به توالف تبدیل کرده بودند و دانشجویان به ناچار و صل دیگر برای کتابخانه در نظر گرفتند. در دانشگاه ای علوم سغولان در وودی صل کتابخانه را که در زیر زمین ساختمان واقع بود تیره کرده بودند و هنگامیکه دانشجویان کوشیده تپیده تهاجم را خراب کنند رئیس دانشگاه با نامسازگی که تنها پاسینی او و ایا با بنابر بود تالار گرد جلوس دانشجویان را بگیرد و چون با طاقت هسی انضالی دانشجویان جای زورسودند با نشاناز ایجاد هزاره ای اینس بهانه واهی که گزراهی زیر زمین دانشگاه دانشجویان مشغول صصبه گذاری هستند نظم دانشگاه را بهم ریخت و کار وادومته تهاجم کرد. کار پیدار دانشجویان ریزده را محسوب کردند و ۸ تن از آنان را بازداشت نمودند. اما در دیگر دانشگاه ها که دانشجویان کتابها به نه را رها کرده اند، هنوز گزراهی رژیم حرارت تهاجم نرفته اند.

با ما به آرمین بر گانه کنیم!

Sweden
10028 Stockholm 49
P.O.Box 49034

ساب بانگ ماه

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
B: 0 400 126 50
Dr. Takman

متحد شویم و رژیم ضد ملی و استبدادی شاه را سرنگون کنیم!

نویسد

(فوق العاده)

(وابسته به حزب نموده ایران)

سال سوم، شماره ۲۳، دوشنبه ۱۲ فروردین ۱۳۵۷

تظاهرات صدها هزار نفر در سراسر کشور

علیه رژیم استبدادی شاه

در وسیع ترین تظاهرات مردم در بیش از ۳۰ شهر مختلف در همه ایالتها شرکت و زخمی شدند

مقاس و شلاق و درفش و کوره های الکتریکی شگفتناک نصیبند با خلق سخن بگویند. چنین است که عید مردم را به عزای بدل کرده، صدها زندانی سیاسی را که از ۲۴ روز پیش در اسارتگاهها و بیرونه های او، خاطر برخورداری از حداقل حقوق انسانی - دست به اعتصاب غذا زدند تا یک قدمی مرگ پیش رانده صدها مادر و خواهر و همسایگان سیاسی را در خیابانهای تهران به قتلان تفتنو ضربات باطوم و چماق سپرده، هزاران کزک و کشاورز و دانشجو و استاد و معلم و محصل و کاسب و پیشه ور و روشنفکر و هنرمند را به جرم میهن پرستی و آزادخواهی به زندانها انداخته عدوها دانشجو را که خواستشان بوجهی کابوس سرنیزه و گاردی نقد و باطوم از کلاسهای درس است، به محاکمه کشانده، نه تنها حق خواهاندها هزار کارگر را ملی یکی دو ماه گذشته به خاک و خون کشیده، با بایا بیورش گرازمای وحشی و تحصیل کرسی و بی کاری و شقت و پیگرد پاسخ داده، مسند پکاها و اتحادیه ها و - کانونها و جمعیتها و احزاب را از فعالیتها و حقوق صنفی و

سیاسی محروم کرده، به ختک نگینی حزب واحد ساواکی را بر روی میهن انداخته و هر حرکت مترقی، هر خواست اصولی، هر صدای معترض و هر اندیشه روشنگر، هنرنیت و هدف خلقی و میهن پرستانه را با سرکوب و بیرون و بهمان و نقارت درهم شکسته یا میخواهد درهم بشکند.

تظاهرات دریاوار روزهای اخیر ثابت کرد که این شیوه های آمرین و دیگر کاری نیست. جنبش عمو ص خلق علیه رژیم توطئه های زنگارنگ - ساواکی و هجوم و خستونت گرازمای شاه و وسعت گرفتن روزافزون گورستان شهیدای آزادی در حال خیز و تلاطم و پیشرفت است. خبرنگاران نوید در گزارشهای خود شدت و نیروی انفجاری تظاهرات روزهای گذشته را با سابقه، با شکر و مقاومت ناپذیر توصیف کرده اند آنها تصریح کردند که این سیل و خروش مردمی اینبار فانی تر از همیشه دربار و شاه را در شمارهای پر شهر و آتشین در نور دیده و با شت های کره کرده تهدید کرد.

در اصفهان تظاهرات خیابانی چند روزهای ادامه یافت. در روز ۹ فروردین - آخر رژیم صفور، نظیر شهرهای اریه ای ۳۰ و وانومویل های پایس مورد حمله قرار گرفت. تظاهرات روز ۱۲ فروردین اصفهان بیشتر سیاسی کارگری داشت.

امواج خروشان تظاهرات خلقی و توفانهای اعتراضی سراسر کشور را فراترفته است. در کاخ استبداد زلزله افتاده. صدها هزار نفر طی چند ریز گذشته در بیش از ۳۰ شهر کوچک و بزرگ به حرکت درآمدند تا از برای فاصله ها، فریاد ای رسواکننده خود را بهم بیامیزند و انگستان انبوه خویش را در هم گره بزنند و بر رژیم غارتگر از رت و ریشه فاسدی که سد هر تحول و پیشرفت و راهزن آزادی است، بتازند. در این جنبش وسیع اعتراضی، بنامه اعتراف خود رژیم تاکنون دهها نفر کشته و مجروح و صدها نفر دستگیر شده اند. اگر سابقه خصومت رژیم شاه - ساواک را با حقیقت پرستی و انصاف و الفت در پینه آن را با دروغ و تبلیغ و ریا در نظر بگیریم بی شک ابعاد فاجعه و آمار تلفات و صدمات از این حد بسیار فراتر می رود. اما حتی همین ارقام کذب آمیز دامنه فزاینده و اوج و عظمت طغیان مردم و نفرت عمیق و ریشمائی آنها را از دار و دسته صرغیب ها، زندانبانان و تاجدار غنچه صفتی که به زاندرم می و نوچکی امپریالیسم مباحات میکند نشان میدهد.

چهل روز پیش از کشتار دهها آزادخواه در قم، رژیم داغ لعنت خیزد شاه صدها زن و مرد و کودک و پسر و جوان را در شهر قهرمان نمریز به خاک و خون کشاند و چهل روز پیش از قتل عام بی شرمانه تبریز، با کلوله و سرنیزه و نازا شت آور به ندای آزادخواهانه مردم به ستوه آمده سی شهر پاسخ گفت. با این چابکی و وقاحت در خیزش، تعداد قربانیان و ابعاد فاجعه استبداد فردا چقدر خواهد بود؟

دیکتاتور اسال با کلوله و مرگ و خون به خلقهای ما عیدی ناهان داد. او یکبار دیگر به روشنی نشان داد که بین او و خلقهای ما دریائی از خون فاصله است که هر روز ظرف تو بهینا تر میشود. کشتی بادبان شکسته این فرزند زنا امپریالیسم و ارتجاع اینک برای دریای گلگون که چشمه ها و نهادهای خوسن آزاد و میهن در آن میریزد، سرگردان است و ضحاک عقل باخته روان، در توفان پر موج و نیروی خشم و قیام خلق که هر دم توانا تر و سرکش تر میشود، با بربریت پر حقارت و توس و بزدلی شناوت - آیزی میخواهد راه بکشد. اما او جز با جویه های اعدام و

از سازمان های سیاسی و نیروهای مخالف رژیم در موقعیت کنونی به تنهایی قادر نیست این گرگ هار تیر خورده را از پا در آورد . در حالیکه مبارز توده ای مرزنده جریمک آزاد بخواه طی و مجاهد مذ هین همه زهریک یک ضربمانند در یک شکجه گاه سلاخی میشوند دریک بیدادگاه عقوبت میکیرند دریک زندان می پوسند هاز یک سیاست وآئین آسیب میبینند هاز یک سرنیزه زخم پرمیدارند ه از یک سرنوشت رنج میبرند و در شرایط استبداد فاشیستی موجود - هائیک وآلم همانندی دارند ه هر فیسرونی که از یگانگی سرتابند به هریز میروند و در نهایت آب به آسیاب دشمنان خلق میرویزد .

فقدان یا کم توانی و محدودیت سازمانهای صنفی و سیاسی را تنها با اتحاد عمل و احتراز از زهرپاشی تفرقاندازان در هر لباس و مسلک و عقیده و پایگاه اجتماعی میتوان پوشاند . امروز کلام - جدائی از هر دهانی که بیرون آید هتخی است که برتن خلق می نشیند . دستهای لکه دانسته یا ندانسته چنین تخی را برداشته از دامن جنبش توده ها و عرصه مبارزاتی که به آغاز آن بیش از نایمان آن نزد یکیم ه باید دروکنیم . جنبش اوج گیر خلق نباید مارآشفته و مسحور کند و نظرمان را از خطر عظیمی که در وجود رژیم درنده و سرد و گرم چشیده - شام ساواک در کمین است ه منحرف سازد . با ایمان قاطع به توانائی و حقانیت پیروزنده خلق ه این خطر را در هر لحظه و هر حرکت باید در مد نظر داشته باشیم و برای مهار کردن آن در پیوندی هرچه فشرده تر هاز بیراهه رفتن ها هاز نتایج زردگی ها و فرسودن به خویش هیچ روی های پیرانگروی درون خرابکاری و ماجراجویی هایی که انرژی انقلابی توده ها را در هجوم های عیب و بیفایده به هدف های فرضی تر بهدر میدهد ه از آماج قراردادن مظاهر کم رنگ و اهداف پراکنده و نامشخص به جای بنیاد های اساسی رژیم و مظاهر واقعی آن ه پرهیز کنیم .

بهم خوردن موازنه قوا در جامعه ما به نفع نیروهای دموکراتیک و ملی و به زیان رژیم دیکتاتوری ه مناسب ترین شرایط یعنی را برای واداشتن درودسته دیکتاتوری به عقب نشینی های روزافزون پس وقت تا مرحله سرنگونی کامل آن فراهم آورده است . هوشیاری و وحدت عمل همه نیروهای ضد دیکتاتوری و خواهان استقلال و آزادی مصرف نظر از عقیده و مرام و خواستگاه آنها ه در بهرگیری از این شرایط مساعد نقش قاطعی دارد .

حزب توده ایران که همواره و بدون تزلزل لزوم اتحاد همه ه نیروهای آزاد بخواه و میهن پرست ضد استبداد را برای برانداختن استبداد قاتله تر محمد رضا شاه مورد تأکید قرار داده است هاز همه نیروهای مترقی و ضد رژیم دعوت میکند که با تمام قوا برای سوق بیشتر توده ها به مبارزه و فائق آمدن بر مسائل درون جبهه ضد دیکتاتوری ه همه سیاسی و ابتکاراگر را بکار ببرند و در این بکار سرسختی و بهگیری نشان دهند .

در آبادان مردم لوجه با بود رضاشاه قدر را که هنوز پرده برداری نشده بود ه مورد حمله قرار دادند و پرده های پیرامین آن را سوزاندند در بابل صدها نقابدار شهر را با غریو " مرگ پر شاه " به لرزه در آوردند و یک طاق نصرت دولتی و لانه حزب شه فرموده رستاخیز را در هم کوبیدند . در زنجان تاحی کسبه و مغازه دارها به عنوان اعتراض تعطیل کردند . در مشهد نمایشات اعتراض مردم که وسعت و انبوهی تهدید کننده می داشت بارها با یورش گرازهای شاه و پرتاب گاز اشک آور متفرق و دوباره تشکیل شد . در روز چهارم شهید ای تهریز در مشهد مغازه ها تعطیل بودند .

در تهران علاوه بر نمایشات اعتراض خیابانی ه بیش از چهل هزار نفر در مراسم عزاداری بازار که در محاصره کامل افواج نظامی و سرنیزه داران و سلسل بدست ها برگزار شد گرد آمدند . مسجد آذربایجانی ها قلب پر تنهایی اجتماع اعتراض آمز بود و سخنرانان خواستهای - مردم را کما خروش تأیید آمز آنها همراه بود ه با بی شرح خواندند : - بازگشت قانون اساسی ه آزادی زندانیان سیاسی ه بازگشت - تعهد شدگان ه آزادی بیان و ظم و اجتهادات ...

در کاشان هزاران کارگر کارخانه های ریسنده گی و بافندگی و مغل واپرشم کاشان کارخانه ها را تعطیل کردند و به صفوف عظیم تظاهر کنندگان و اجتهادات محترضین پیوستند . حضور کارگران در حجم عظیم آن به خروش کاشان رنگ تند و حرکت پرشوری بخشید . تظاهر - کنندگان که با شعار " ما شاه نمی خواهیم " در خیابانها حرکت میکردند مورد هجوم گراهای مسلح قرار گرفتند .

در قم با گاز اشک آور و چوب به اجتماع مردم تاخندند ه اما هرباره که جمعیت از هم می گسست ه در نقطه دیگری بهم جوش میخورد . در یزد تظاهر کنندگان با شعار مرگ پر شاه ه تابلوهای روزنامه های ساواک زده اطلاعات و کیهان و رستاخیز را خرد کردند . صبح روز دهم فروردین یزد کاملاً تعطیل بود . تظاهرات دیگر شهرها حرکت و رنگی نظیر این داشت . همه این نمایشات و اجتهادات سیاسی مضمون یگانگی داشت که در گلهای سرخ شمارهای ضد دیکتاتوری می شکفت و عطر افشانی میکرد .

بلندگوهای روسپی وار و روزنامه های کوسفندی رژیم با عجز و بلاهت کوشیدند تا با تحریف واقعیات و سانسور پرده پوشی ه عظمت این جنبش اعتراض را انکار کنند و از نیروی توانای افشاگر آن که زندترین سندن محکومیت این رژیم ضد خلقی و ضد دموکراتیک و ایران بر باد ده است ه بگهند . اما توان بزرگتر از آن است که در درویشای کثیف آنها حبس شود .

تظاهرات گسترده روزهای اخیر بانک رسائی بود که نیروی - لایزال توده ها را در اتحاد و پیوند آنها به ظهور رساند . در شرایطی که رژیم هرروز منزوی تر و پوک تر میشود و آخرین قطره های قوه حیاتی خود را از دست میدهد ه تنها مدد و ضامن ما برای به زانو در آوردن آن همبستگی و اتحاد عمل ماست . هیچ یک

پیروز باد مبارزه قهرمانه مردم ایران علیه استبداد فاشیستی محمد رضاشاه

نویسد

(فوق العاده)

(وابسته به حزب توده ایران)

سال سوم، شماره ۲۲، پنجشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۵۷

زندانیان سیاسی بر اثر اعتصاب غذای ۲۶ روزه در مرز مرگ و زندگی بسر می‌برند

به یاری زندانیان اعتصابی بشتابیم

— آنها حداقل حقوق يك زندانی سیاسی را می‌خواهند، حداقل خواسته‌ها و توقعات يك انسان را انتظار دارند، اما همین حداقل انتظار با مقاومت و تحاشی جنایتکارانه رژیم روبروست...
زندانیان سیاسی می‌خواهند کیفیت بسیار نامطبوع و بی‌حیثیت غذای زندان بهبود یابد، اجازه ملاقات با اقوام و خواهران و برادران آنها داده شود، برادری و روزنامه‌های سانسور نشده در اختیارشان قرار گیرد و تعداد زندانیان در هر اتاق که به طرز وحشتناکی بر تراکم است، کاهش یابد. زندانیان سیاسی تقاضا کرده‌اند که احکام ظالمانه حکومت آنها توسط بدادگاه‌های فرمایشی نظامی، در محاکم دادگستری مورد تجدید نظر قرار گیرد. آیا پاسخ این خواسته‌ها حق و طبیعی که متضمن ابتدایی ترین شرایط زمینی در پیغوله‌های شاه است، شکنجه و کتک و مرگ است؟
خانواده‌های زندانیان سیاسی تاکید می‌کنند که اعتصاب کنندگان توسط سرغضب‌های رژیم مورد شکنجه و ضرب و شتم قرار گرفته‌اند. آنها می‌گویند:

— زندانیان سیاسی از اواخر بهمن ماه نخست اعتصاب ملاقات کردند و چون به این اعتراضات جمعیت توجهی نشد، ناگزیر به آخو بستن حربه خود یعنی اعتصاب غذا متوسل گردیدند. برای آنها در شرایط روزی زندانیان آریا مهربی و با تاراج تمامی امکانات زمینی و تحمیل انواع فشارهای روحی و جسمی فرساینده، چاره‌ای جز نبود اعتصابی باقی نمانده بود. اعتصاب غذا در بند‌های سیاسی زندان قصر از روز ۲۰ اسفند ماه آغاز شد.

روز ۲۰ لغت ماه تیر چند از زندانیان که بر خلاف فریادهای ملاقات قبلی حاضر شده بودند به دیدار خانواده‌های خود و برپایند، آنها را در جریان اعتصاب غذای خود گذاشتند. آنها فاش کردند که در خیابان اعتصاب کنندگان را مورد هجوم قرار داده‌اند و به سختی ضرب و کوب کرده‌اند. آثار ضرب و جرح بر چهره و دست و پای زندانیان ملاقات کننده، به شاه داغ‌ننگی رژیم وارد شده و مردمی را رسوا می‌کرد، اما اسیران به زرم و هم خلق قصد خود را به ادامه نبود اعتصابی تا مرگ یا پیروزی نهایی تاکید کردند.

سال نو در شرایطی آغاز شد که صحن پرسترن فرزندان مردم با شکنجه، گرسنگی و ضعف ناشی از اعتصاب، تحلیل می‌رفتند. این صیدی شاهانه به طت بود.

صدها نفر از زندانیان سیاسی ایران از ۲۶ روز پیش در اعتصاب غذا به سر می‌برند. در حالی که این گرامی ترین فرزندان مبارز خلق تا مرگ يك قدم بیشتر فاصله ندارند، رژیم تبهکار در برابر این تظاهر بزرگ سیاسی و اعتراضی کدر تاریخ صحن ما کم سابقه است، خفقان سکوت گرفته و از انتشار این حادثه تکان دهند. حماسی و در عین حال افشاگر، به شدت جلوگیری می‌کند. خانواده‌های زندانیان سیاسی که شاهد زوال تدریجی عزیزان در بند خود و خونسردی شورانگیز زندانیان و سرغضب‌های شاه در برابر این نبود قهرمانی مرگ و زندگی هستند، هر روز خواسته‌های حق اعتصاب کنندگان را در خیابانها و در جلوی دادگستری و دادرسی ارتش زندان قصر، مجلسین شورا و سنا، کاخ نخست وزیری و دیگر نهادها و مظهر رژیم شاه — ساواک، فریاد کرده‌اند و به جای پاسخ، با مشت و لنگ و باتوم و دشنام‌های رکیک و بازداشت و هجوم روبرو شده‌اند. آنها با چشم‌های اشکبار و قلب‌های آتش گرفته و گلوها گرفته از خشم در معابر و خیابانها، جنایت دولتی را که در دست دیکتاتوری صحنه گردان آنست فاش می‌کنند، در زیر ضربات دردناک و در معرض تاخت و تاز مداوم گرازهای حکومتی با مردم سخن می‌گویند و آنها را به بازگسیران سرفراز خود و خلق می‌خوانند و صدای دردناک خود را که حکومت ابدگرم رژیم در خیابان و شرفترین غارتگرها در آن موج می‌زند، به تاریخ می‌سپارند:

— مردم! گل‌های سرسید خلق یا توطئه آدمکشان رژیم در حال پر شدن‌اند. کمک کنید!... به یاری فرزندان و قهرمانان خود بشتابید! آنها به لبه گور خود رسیده‌اند. کاری بکنید... کاری بکنید...

و مردم با بغض خاموش و مشت‌های گره کرده به این صحنه‌ها نگاه می‌کنند. آتشی در دلها شعله می‌کشد و خشم به صورت جرقه و کله و شعار از دهانها بیرون می‌ریزد. پیروزانها نفرین می‌کنند، پیرومردها با تاتر سر تکان می‌دهند، جوانها زیر لب می‌فرند... و در این اندوه و همدردی مشترک جنبها به هم گره می‌خورند، خلق در کینه و عشق خود یگانگی شود و عطش انتقام سینه‌ها را می‌سوزاند. رهگذران یا ناراحتی می‌پرسند:

— زندانیان سیاسی چرا اعتصاب غذا کرده‌اند؟
مادران و خواهران پریشان زندانیان سیاسی جواب می‌دهند:

از نخستین روزهای سال جدید زندانیان او بین نهنه انتصاب کنندگان زندانیان قصر پیوستند و بزرگواران و خواهران و مادران زندانیان سیاسی در یک سلسله تظاهرات پر شور و افشاکرانه خیابانی، صدای اسیران و دلبندهان خود را به گوش توده هارسانده و از جنایاتی که در پشت دیوارهای بلند و صلبه ها و قفس های آذنی زندانیان سیاسی می گذرد، برده برداشتند. آنها به طور دسته جمعی در روز ۲۸ اسفند ماه در برابر دادرسی ارتش (خیابان گوش) تظاهرات کردند. روز چهارشنبه دوم فروردین در برابر زندان قصر جمع شدند و خروش خود را با فریاد و اشک آهختند و صدای عدالت خواه فرزندان خویش را از گلوهای دردناکشان آواز دادند. تظاهرات تهیه کننده خانواده های زندانیان سیاسی که شکل مبتنی سیاسی داشت، در روزهای سوم و چهارم فروردین در خیابانها ادامه یافت. خانواده ها روز و شب هفت فروردین ماه در برابر کاخ دادگستری و در روزهای بعد در برابر دیگر نهاد های رسوای رژیم آریامهری خواستهای زندانیان اقتصادی را بانام و با فریاد به گوش های کر کارگزاران و گماشتگان بی آبرم حکومتی رساندند، اما در اکثر این اجتماعات با موهن ترین وضع مورد بیوش و خورش و تحقیر و دشنام های که تنها زبیده ضحاک نمود دوران است و روبرو شدند و هر بار عده ای از آنها توسط گارد های مسلح بازداشت گردیدند. تظاهرات ناگزیر و ولوله آفرین مادران و همسران زندانیان سیاسی در روز چهارشنبه ۱۶ فروردین ماه در برابر دانشگاه تهران و کاخ نخست وزیری امواج وسیعی از همدردی و پشتیبانی ملی برانگیخت. انجمن ها در مسیر این شویزان رزنده و وسط خیابان توقف می شدند، رهگذران می ایستادند، کسبه از مغازه های خود بیرون می آمدند، ناصربای مبارزه، صدای فتح عشق و عدالت، صدای انتصاب رازهای زندانیان و وطنشان، در لحین گرم و شوانگیز و خستگی ناپذیر می شنیدند. اما گارد های شهرستانی مجال نمی دادند، حمله می کردند، تظاهرات کنندگان دراز می شدند، کزفتند، آنها را اکتان کشان در اتومبیل های خود سوار می کردند و به کلانتری های می بردند. خبرنگاران نوید که در تمامی این صحنه ها می تظاهر و می بینند، گزارشگری حضور داشته اند، از ماحصل گفت و گویا بسیاری از خانواده های زندانیان سیاسی، گزارش زیر را تهیه کرده اند:

شامه ای که هر روز بیشتر قوت می گیرد و ظهیر اخراش می دهد حکایت از آن دارد که چندان از انتصاب کنندگان زندانیان قصر بی اثر طول مدت انتصاب و بد رفتاری بی شرمانه زندانیان، شهید گردیده اند. پدر یکی از زندانیان که چند روز پیش موفق به ملاقات فرزند خود شده بود گفته است که در اولین دیدار او را که بدید به سلکتی متحرک شده نشناخته است. سایه ای در حال فروریختن چهره ای سفید با شماره های تیره، نظیر مردگان، اما با چشم های پر فروغ و تندر. پدر ملاقات کننده با بغض و خشم گفته است: "گاش او را ندیده بودم. او به مرده ها بیشتر از زنده ها شبیه بود. فکر نمی کنم بیشتر از یکی دو روز دیگر بتواند تاب بیاورد." و اشک پهنای صورت پر چین و چروک بر او پر کرده بود.

۲۶ روز پس از انتصاب غذای فرزندان بیکار جوی خلق که رژیم بی آبرو و دروغ بود از وفاسد شاه - ساواک کوشیده آن را از مردم و افکار عمومی پنهان نگاه دارد، سوالی که بر ابرو همه وجدانهای آگاه و مبارزان و آزاد بخوانان، خود نمای می کند این است که سرانجام این نبرد مرگ و زندگی که اینک به مرگ بیشتر از زندگی نزدیک است چه خواهد شد؟ مردی که خاطره نزدیک کشتار شقاوت آمیز و زندانی سیاسی (گروه جزئی - ظریفی) را در زندان به یاد دارد، آنها را می که ماجرای شکنجه و قتل قهرمان توده ای پرویز حکمت جورا پس از ده سال زندان فراموش نکرده اند، همه آنها را که ماجرای هولناک بسیاری از شکنجه ها، مجسمی و امحای جسمی مبارزان را در زندان های شاه شنیده اند، حقی دارند نسبت به زندگی گلهای سر سبز باغ بهمن در زیر چنگال های خون آلود ساواک نگران باشند. کنگ زدن و شکنجه انتصاب کنندگان به وسیله گزبه ها و کراهای بی روح و قلب و روسی حقت شاه و در شرایطی که حیات آنها از بی رمق و کرسنگسوی ضعف فرط و کشتنده، به شدت در معرض تهدید است، نشان می دهد که جلا و از هیچ جنایت و تنگی رویگوان نیست. او سوا ترو رو سها تر از آنست که هیچ حربهی را نگردد. فشار حقوقی بیشتر اصولی که حتی در مورد اسیران جنگی رعایت می شود، برای این هیولای آدم خوار، جز بازی نیست. او علی رغم ادعاهای بی شرمانه اش که چون تاج و تختش آلوده و مورد بدگمانی ابدی و سوء ظن همجنس است، هنوز در مشانه شکنجه می دهد، زندانی از حال و هویش رفته انتصابی راز بر چکه و ماتوم و چماق میگوید و آنگاه با تمام دهان متعاض در انتظار جهانیان باوه می بافتد که شکنجه در ایران موقوف شده است. آیا او را می خواهد بدی رساتر از و قاحت بی شرمی در حق چنین عفریت هزار چهره و پلیدی نباید خلق کرد؟

مردم ایران، آزاد بخوانان، صهن پرستان، مبارزان! در قاتی و سلطنت اضطراب آمیزی که زندگی همه ها را در تن فرزانگان و حقیقت خواهان شریف مادر زندانیان بی تائین شاه به موسی بسته و هر لحظه امکان پاره شدن این رشته نازک تصور است، وظیفه ملی و وجدانی و مبارزاتی ماست که به یاری این رزندگان حماسه آفرین سنگر خلق بشتابیم. با تمامی وسایل و امکانات خود، حمایت جنایت فجیحی را که در زندانها می گذرد، در برابر توده های وسیع مردم و جهانیان افشاکنیم. در کارخانه ها، از سر ظاهر، در تکلیف او ساجد، در کوچه ها و خیابانها، در ادارات و محافل و مجالس، بانگ اعتراض خود را علیه زندانیان و به حمایت از زندانیان سیاسی رسا تر کنیم. با شبنامه ها، توضیح و سخنرانی، حتی در ناه های دستی و تاپ شده با هر وسیله ای که در دسترس است، و هو قیمت خطرناک انتصاب کنندگان را در طنینی نیرومند آواز دهیم و از این نیروی عظیم انشاکری همه جانبه، تخصصی برای جلا مت و زندگی از زنده فرزندان در بند خود تائین نماییم. تنها نیرو و اعتراض دسته جمعی و یکپارچه ما است که می تواند مغرظب ما و آد کشان را به عقب نشینی وادارد. این مبارزه ای است صهنی که هر دست و هر صدایی در آن می تواند نقشی به جز شمر بخش داشته باشد. شتاب کنید! جان همزیر ترین دلیران و کوشندگان راه خلقی در خطر است...

برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه خود را تشدید کنیم!

نویسد

(وابسته به حزب توده ایران)

سال سوم، شماره ۲۵، شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۳۷

سلسله مقالات «نویسد» دربارهٔ ویژگیهای جنبش کارگری ایران
وقتش روشنفکران انقلابی و مبارزان مارکسیست در قبال آن (۳)

مبارزهٔ صنفی چگونه سیاسی میشود

این که منابع همه کارگران به کشور بکسان است و سرانجام درک این
غریب و فریبده که کارگران برای رسیدن به هدف‌ها و آرمان‌های
بخشیت‌ناگزیر به فعالیت سیاسی اند، به طور خودبه‌خود در کارگران
ایجاد نمی‌شود. تاثیر فاسدکننده ایدئولوژی طبقات استبدادگر
نوع و سبب‌های مختلف آن‌ها مانع از آن است که کارگران به
منافع طبقاتی خود آگاه شوند.

رشد آگاهی طبقاتی پروتاریا، روند بزمین است و در مکتب
های مختلف به‌سراست مطالبات انجام می‌پذیرد. رسالت حزب به
طبقه کارگر در این حربه باشد تا ولزم حیاتی خود نمایی ی کند. این
حزب برای اتلاهی طبقه کارگر، به مبارزه ایدئولوژیک می‌پردازد
جنبش کارگری که به طور خودبه‌خود با حرکت‌های صنفی و احصایه
اتقاز می‌شود، در مبارزات سیاسی رشد کیفی می‌کند. دست‌مطلب
مبارزه سیاسی کارگران، ایدئولوژی آنهاست.

دو کار این امر می‌شود: عده همواره جنبش کارگری را متحد می‌کند؛
۱- مطلق کردن مبارزه صنفی و احصایه؛
۲- مطلق کردن مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک.

این هر دو گرایش آن‌ها که به ظاهر دو جهت‌گرا خلاصت و ا
نشان می‌دهند، مضمده بگانه ای دارند، چه بکسان به جنبش کارگری
آسیب می‌رسانند. در روش اول، جنبش کارگری تا حدی که جنبش
سیاسی وارد لوله‌های که تنبلی‌ها به «ترطیبه است» طبقه را در برابر
دشمنان صیبه کسان خلق صلاح کند. ارتش‌های سلاح همان ارتش
مخلوب است. این شان‌دیان سازشکاری، طبقه را دست‌بسته به
سلاح سرمایه می‌بزند.

در شی دوم، عناصر ماجراجویانرا می‌چپ به‌جا می‌آورند کارگران
آگاه ازتوده، های کارگر، باهاله انداختن بین پنهان‌خانه و طبقه،
هم به‌پنهان‌خانه را خنثی می‌کنند و به ناکسای
می‌کنند. دوم نیزه های وسیع کارگری را در انزوی و اسارت سرمایه
داران تنها باقی می‌گذراند.

رنیال در صفحه ۳

هر مبارزه صنفی و احصایه را تا حدی سیاسی است. جنبش
کارگری به این مبارزه احصایه نمی‌تواند به طور گذرند، جنبه
سیاسی پیدا کند و رسالت تاریخی طبقه راه انجام برساند. اما اگر
مبارزات احصایه به نبرد سیاسی فرانویه، پروتاریا در اسارت
سرمایه و در شرایط حکومت استبداد باقی خواهد ماند.
مبارزه صنفی و احصایه به معنی نظام سرمایه داری لطیف‌ها
نمی‌زند، مضاف بنیادی اقتصادی کارگران را تا حدی نمی‌کند. تجربه
تاریخ یونانگی به زمستان می‌آورد که کاسای های ناسیاسی و سوسیالیست
های صنفی و مطالبات، به‌دین پروتاریا سیاسی، تعیین شده
نیست و در لحظه ممکن است خود جهاطی خودتیر فرزند کرد. کارفرمایان
و دولت آنان برای ایصال کردن دستاوردهای کارگران، برای تحمیل
طبقه منابع آنان، کثرتن فرصت را از دست نمی‌دهند. این تجربه
تلخ را ما در صحن خود با کثرتن فرصت و استخوان مان آوردیم.
شر قاضی کردن اتحادیه های واقعی کارگران، تفسیر فاسون
گر در سمت ارتجاعی پس از کودتای ۲۸ مرداد، از آن جمله نسو
حق انصاف، نتیجه ای از فرصت طلبی و بی‌شکاری صندانه طبقات
حاکم است.

مبارزه طبقاتی پروتاریا هنگامی به طور جدی و شالوده‌های اتقاز
می‌شود که از چارچوب منابع روزمره گذشته و به مبارزه برای تبدیل
قدرت حاکم به دل‌گرد، به معنی تمام طبقه سرمایه داران و دولت
باشد از منابع آنان را آماج فرزند کرد.

مبارزه طبقه کارگر از جنبه طبقه کارگر اختراع نمی‌کند. این مضاف
پایه صنفی دارد. در نگاه سرمایه داری، هر کارگری به‌دسته بسا
می‌عدالتی، های احصایه و احصایه و مضافات گونه‌گین روبروست
در این شرایط نارضای و رویه بی‌انصاف سرکشی کارگر، به‌تسا به
طبیعی و اجتناب‌ناپذیری است. اما احساس عدم رضایت و مطلقاً
بالقوه در وجود کارگر، مضاف به معنای آگاهی طبقاتی نیست. درک
این واقعیت که کارگران برای بهبود سرنوشت و نجات آزادی واقعی
جز مبارزه طبقه سرمایه داران ندارند، درک این واقعیت که کارگران
طبقه واحدی مستقیم از بزرگ طبقات جامعه را تشکیل می‌دهند و



سیاست بمب و چماق هم محکوم به شکست است

حوادث ماههای اخیر، به ویژه رویداد های هفته‌های گذشته
گفت و بحث های اساسی وضع سیاسی جامعه را فراخ از جنجال
های تبلیغاتی و های رهبری و سرگرد برآورد، ما در برابر انظار
هنگام روشن ساخت. این واقعیت تیره که رفته بگانه ای از درون آن
ما را به هم پیوند می‌دهد، به وضوح نشان داد که رژیم «سواک»
سواک « ملی رژیم استعماری پنج پاره باقی های سرسود ای خود
نه تنها کثرتن علاقه ای به کثرتن فضای سیاسی کشور و احصایه آزادی
های لگد مال شده استبداد ندارد بلکه دشمن صنفی و طبقه خود
آست و هیچ فرصتی را برای نه کردن همه خاله صنفی کثرتن آزادی
و دست‌داران و طلب‌کننده آن از دست نمی‌دهد. اینجور
ها از سوی دیگر ثابت کرد که رژیم «سواک» که در مرحله
سیاسی و احصایه، بر سر ای خاص و جام، دشمنی و نیتوان شسته و
رنیال در صفحه ۴

وحدت و تضاد نیروهای ضد استبداد

پشت یکدیگر می‌کشد، طبقه همه صحن پرستان واقعی و دوست‌داران
و کثرتن‌گان راه آزادی است. توده‌های نیست که هم دشمن حمله‌گر و
هم پاره ای از پرستان خال و یک تجربه، هر چه از خصم و به دلیل
خاص خود در این راه سنگ می‌اندازند. هر چه از خصم و به دلیل
انگیزه و مستواری در این لحظات سرنوشت‌ساز، چه‌کند در صیبه
جنبش کثرتن‌ها بند و دیگر اینکه و عدد ریکتاری خلق های طاقت.
جنبش خلقی که قبلاً استبداد را آماج فرزند کرد، در شرایط محدودیت
نسبی و مضافات سازشکاری و از جانب سیاسی و تشکل های صنفی تنبلی‌ها
انجام عمل همه این سازشکاری و از جانب می‌تواند استمرار شود. خود را
تخصیص کند و اختیاری آری‌ها می‌راند که به‌سراست. شک نیست که گره
جوبی از انصاف با نیروهای چپ و حزب طبقه کارگر در جبهه فاسد
ریکتاری بشر از همه دشمن رانندگی کند، چرا که اختیاری این‌گرتین
و سازشکار یافته تیره نیروی دموکراتیک کشور با ارتش‌های دشمن
جبهه ملزبان ضد استبداد را از زمین و از زمین تیره تیره پذیر
و مضموی صیبه. برپا نمای دسایر و رنگ‌نگار ساواکی و کثرتن نظری
های خطرناکی که زبان خلق و توده‌های ضد خلقی می‌راند است، به‌همه
نوزاد و ابتکر خود به‌تضمین.

دست دارد و هرگز به‌تصرف و تبدیل یکدیگر به هدف نیست و در شرایط
می‌در نمای ارتقاز آن، مضافات جنبش آمیزه هیولای ترسان و لرزان
در او را نباشته شده، به طور صنفی با هیچ‌کس هدف ندارد و نیتوان
یکدیگر کند. و از طرف دیگر به خاطر همین خاستگاه طبقاتی و بی‌تیمی
های متمایز و نیتوان‌ها و سبب برای به دست گرفتن رهبری جبهه
ضد ریکتاری. سنگین تر کردن وزن خود در این جبهه، باید و سبب
تضاد دارند. سالی که در حال حاضر در مرفه نیروهای مسلح و
دموکراتیک به اشکال خنوع و مختلف بروزی کند، از این سرچشمه آ ب
می‌جوید. اما اگر در این دقایق حساس، نتیجه این نیتوان‌ها
به آن نشود که تضاد آنها تحت اشباع و دست‌فروشی صیبه آنها
است و هیچ عامل انگیزه و مضافات این وحدت لازم نگردد و
خنده در آرکده، زبانی به بلر خواهد آمد، گر جان تالی این نیتوان
را خواهد گرفت و می‌زین و صیبه‌ها در آن به خلاص‌ترین آنهاست.
ریکتاری و فاسد و بی‌رک در حال اختیاری است، حاصلی به‌لر خواهد
آورد. تلاش برای تحلی این وحدت و نیتوان، و تبلیغ حربه وسیع و
در آری که دشمنان ضد استبداد می‌توانند به‌سراست در هر وقت به

ما به سر کار بچ تاریخ این صحن خود رسیده ایم. در و نسی که
اتقاز شده با سرعت و مصوم رویداد ها و تکلیف برقی آسای جریانه‌های
مختلف اجتماعی سیاسی مشخص می‌شود. نیروهای ملی و استبداد
با فراوان استبداد در نیردی و فترده و تنگ‌نویز رو، در هر که شده مانند
در حالی که عظیم ترین ارتش اجتماعی ما یعنی پروتاریا و حزب سیاسی
آن به میدان سنجی یک‌ساله به دلایل صنفی دشمنی فریخته‌گرده
و با هر روش و سیاستی با ریکتاری است. به‌تضمین های بی‌گناهی
ریکتاری و استقلال طبقاتی صنفی و نیتوان یافته است. تجربه صریح
جامعه به طبقه‌های سیاسی و نیتوان و نیتوان‌ها می‌کند، هر چه
جبهه حکومت مطلق و هم در داخل سنگ‌های نیروهای ضد استبداد
از یک سو و هر ط به انجام همه مضافات و نیتوان‌ها می‌کند، هر چه
همه جانبه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است و از سوی دیگر
از تضاد می‌کند که در جبهه باقی نیروهای ملی و دموکراتیک وجود دارد
ناشی می‌شود. این تضاد با نیتوان‌ها و نیتوان‌ها اجتماعی و سیاسی این نیتوان
است. آنها صرف نظر از خاستگاه طبقاتی و گرا و مضافات و مضافات های
مضافات خود، در برابر فرای‌توانند که در مضافات اساسی جامعه را در

کارگران ایران، در راه احیای سازمان‌های صنفی و سیاسی خود مبارزه کنید!

محاکمه رژیم ترور و اختناق در دادگستری

جلسات محاکمه ۱۶ دانشجو به اتهام تظاهرات ضد حکومت در دادگستری تبدیل به تریونی برای افشای جنایات رژیم پهلوی شد.

جلسات محاکمه ۱۶ دانشجو به اتهام تظاهرات ضد حکومت در دادگستری تبدیل به تریونی برای افشای جنایات رژیم پهلوی شد. ما و قاتین شکی های رژیم می با یکی همانا ماهواره در دو گسی پیشران و ترفیات شمشانه شد.

رئیس جرمین دادگستری استبداد نگه دارد تمام شاخ گداوی گداخت است

پایس خود... حسین اشکان کرد... با هر دو مقام آزادی سیاسی صدمه دادند... منته است... از گروه های خاص مردمی... کسان می بینند و اصطلاح حلو انتشارات را بکنند... در این صورت با اعتماد به قانون اساسی... دادگاه داد... تمام اشکالی که با آن مبارزه می کنند... هم به ضعیف می چسبند... این آزادی که به ما داده اند... خود را در این روش... در این صورت با اعتماد به قانون اساسی... دادگاه داد... تمام اشکالی که با آن مبارزه می کنند... هم به ضعیف می چسبند... این آزادی که به ما داده اند... خود را در این روش...

و قاتین شکی های رژیم به نال از چو کمان گشت... وضع تامل و نسیم زندان زنان و تنه اتیان آن را همه می داند... تشریفاتی است و در راستای احکامات و احکامات... در این صورت با اعتماد به قانون اساسی... دادگاه داد... تمام اشکالی که با آن مبارزه می کنند... هم به ضعیف می چسبند... این آزادی که به ما داده اند... خود را در این روش...

و قاتین شکی های رژیم به نال از چو کمان گشت... وضع تامل و نسیم زندان زنان و تنه اتیان آن را همه می داند... تشریفاتی است و در راستای احکامات و احکامات... در این صورت با اعتماد به قانون اساسی... دادگاه داد... تمام اشکالی که با آن مبارزه می کنند... هم به ضعیف می چسبند... این آزادی که به ما داده اند... خود را در این روش...

((تروویسم دولتی محکوم به شکست است))

دفاع از حقوق بشر و منافع مردم است... این تروویسم همان دولتی... در این صورت با اعتماد به قانون اساسی... دادگاه داد... تمام اشکالی که با آن مبارزه می کنند... هم به ضعیف می چسبند... این آزادی که به ما داده اند... خود را در این روش...

دفاع از حقوق بشر و منافع مردم است... این تروویسم همان دولتی... در این صورت با اعتماد به قانون اساسی... دادگاه داد... تمام اشکالی که با آن مبارزه می کنند... هم به ضعیف می چسبند... این آزادی که به ما داده اند... خود را در این روش...

دفاع از حقوق بشر و منافع مردم است... این تروویسم همان دولتی... در این صورت با اعتماد به قانون اساسی... دادگاه داد... تمام اشکالی که با آن مبارزه می کنند... هم به ضعیف می چسبند... این آزادی که به ما داده اند... خود را در این روش...

تشکیل کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران
کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران در بازداشتگاه تهران با صدور اطلاعیه ای به کلیه اعضای ۹۸ تن از شخصیت های مختلف اجناب و به جمعده های آن سرشناس ترین زندانیان آزادیخواه و صبر پرور سازمان خود و انتصاب آیداصول می جوید خود به عضو در این کمیته اقدام می نماید. این کمیته در صورت تشکیل خواهد توانست امور زندانیان سیاسی ایران را در زمینه حقوق معنوی و مادی و فرهنگی و زندانیان سیاسی ایران را با استفاده از روش های مختلف و از طریق راه های مختلف.

اعتصاب در شوکت توانیر
کارگران و کادرنی از شرکت توانیر (تروویسم شوکت) در ارساد هفت گانه شد برای رساندن بانگ اعتراض خود به گوش مردم و مسئولان دست از کار کشیدند و در محل تجمه گاه اعتصاب کردند. اعتصابی که مدتها قبل از آن در تاریخ ۲۰ به فروردین در همدان به وقوع پیوسته بود. حساب با افزایش ریزه هزینه زندگی بود. اعتراضات این اعتصاب نیز اطلاع رسانی شد.

بازرزه صنفی چگونه سیاسی می شود
حزب توده ایران که همواره این در جریان ناسی را به طوری می گوی نکرده است... با همکاری کارگران... در این صورت با اعتماد به قانون اساسی... دادگاه داد... تمام اشکالی که با آن مبارزه می کنند... هم به ضعیف می چسبند... این آزادی که به ما داده اند... خود را در این روش...

مردم قهرمان تبریز خیمه شب بازی رژیم رارسوا کردند

بگفته هفتاد هشت سالان رژیم شاه دست در لطفاتی که صد ها زده انی سیاسی ایران پس از زفتت ها انتصابیضا در زندان ه و این بار که دست بسته نرم ی کردند در مصفاها در چه سطح آمده این رژیم احمقانه را به گلوله ی بختنه هبه اشاره شده به تبریز فتنه تارها امیرالمشایخ از پیش محاصره به خلق قهرمان آذربایجان در هنجایی کنند .

خبرنگاران تبریز گزارش داده هاند که در این تظاهرات خصله بوده اند ماجرا این چنین گزارش کرده اند :
از چند روز قبل با اعلام سفر هیات دولتیبه تبریز روزگاری خیمه شب بازی رستاخیزی مردم در کوچه بازار وقتی به هیج رویه نه اولین کلا نشان پس از احوال پرسش این بود (تپید) شاه از روی تیور...

حلی زود صلح که فرار سوا سوای ما ، با پسینه ی اضناوم و گه های دیگر رژیم در آن جمع شدند تصفیان خلقی واقع و در صدم دیکتاتوری به مطالع محکم نیز کنترل سواوه و شهسپاتی ورتقی فرار گشته .
مردم چاقسور از گذار این محرکه گوی سواوی گه شفته بی انتفا به کار خود ادامه ی دارند .

به راستی چه عهده داشتند اگر در جان مردم با یگانگی داشتند نایافته به این همه تلاش برای یک صحنه سازی ستره و سراپا ساختگی نمی داشتند . از شب قبل از تا امروزه شرح انتصوابی صلا

روی تهنکتزل قرار گرفت و مسارت به تبریز شرف شد . سر نشینان این بومرهای که روز نایشوارد شهر شدند ، تا ما جانیان سواوه و حال پلایس رانش بودند که از تبریز بی آمده هیا کار کنند ان بی هشتت های ادارات شهرهای مختلف آذربایجان که به نورو به تبریز آورده ی شدند . بالاخره با تلا ش تبریز ، چند هزار نفری را جمع کردند و نایش در محاصره سوازان نشنگه به دورتر و پایتانیهای اطلسه پس کمر صد ها ماجر سواواکی انزای از تبریز گناز شد .

در تمام لطفاتی که این نایش خصله اده داشت فضاظه ها شهر بسته بود و مردم در محاصره انتزاعی یکباره به این خیمه شب بازی برخاسته های خود مانده بودند . در حقیقت شهر یکباره در صلابت غاصب بود . همین حا با گزیم کانیان سفراان شرکت صافری با گزیم خود مانه شدیم که :

به کلیه شرکت های مسافر فر بی دستور داده شد تمام برنامه های مسارت خود را لغو کنند و اینو شهر های خود را در اختیار مال سواوه بگذارند .
گردد ان ادارات تهنید به شده بودند اگر در این نایش چند نفر ترک ننگند حقیق یک ماه نشان تفریق خواهد شد . به آزمون گاه های روزگاری و مدارس و خترانه دستورات داده شده بوده ه و نه ی از پروران و دانشا عزیزان دخترانه به عدان قیام نیز میاوردند . در آستانه برگزاری نایش تا کجا ان تمدد ان شرکت کنندگان روضه افزایش یابد .

سواواک ترتیب ککر را چنان داده بود که بین جایگاه سترانس و اولان گروه حاضران که دختران مد لرس بودند نیز تریک به ۳۰ نفر فاصله باشد . بین دختران و اولین صف حاضران هم نزدیکه به ۱۰۰ نفر فاصله بود . جایگاه هر سوله های خیمه شب بازی به ترتیب به ستران ۱۲ نفر از جمعیت فاصله داشت . اولین صف را سواواک تشکیل میدادند که به آنجا ایستادن کارگران و دهقانان و پیشانده بودند .

بعد از این که پارس سگ های دست آمیز گنازنده و آرا پرآرام جمعیت شروع به حرکت کرد . اینهاک ناخوانده آمده بودند در میان جمعیت جا گرفته بودند که گناز کرده بودند . آنها در حالی که پاس سترانه سواواک محاصره شده بودند ، در آستانه به نیان خود حرف میزدند هرگاه طبق فرارایی باید سواواکی هاو پاسیان ها وسرازان به مطالع خطا امیران فریاد میاوردند که نیشند . دهقان از همان جلوی جمعیت این تکلام نفرت انگیز به گوش می رسید ، ان هیا آنچه لاقی تبریزی افسر چند ای پارس ها بیشتر ی شد . جمعیت اعتراض خود را با نگان خود در مشتکی چمن صحرای در میدان حرکت ی کرد و صفوف جمعیت راها شروع ی بود . نشان ی داد . همان رژیم که متوجه گسی اعمل مردم شده بود به وحشت زده ماجرا را به نضمت تهنید رنگ به رخ داشت اطلاع دادند . از نیشند شفقت سگ خانگی شاه به صورت برناه را تهنید و اد .

جمعیت با نقشه قلبی حلقه محاصره را تنگ ی کرد . اگر تهنید به دست شان ی افتاد ! به صورت بزناده را گونا گزنده چیچه بزناده سترانسی حذف شد . در این مدت جمعیت بر فشار خود افزید . فشار حد ی بود که ایستد فاصله ۱۰۰ نفری صف اول با دختران مد لرس بر شد . جمع چیز تنی توانستند ای آن هار بگیرند . در تلافی بعد فاصله جایگاهها جمعیت از بیس رفت و بعضی از سواواکی ها که حلو ترا زده ایستاد بودند سحر کردند با فشار در ان مخالفت جلوی جمعیت را بگیرند . اما این کار هم بی فایده بود . وقتی نیت پارتی آذربایجان نیش تبریز سینه ه فشارهای حساب شده مردم جایگاه سترانی را به فرزند آورده بود . کار تمام بود . دست مردم داشت به گوی نوبه هار شاه ی رسید . از سوی دیگر آنها که در وسط میدان بودند بر لوله هلی واه و درین میان تلویزیون روی آن نصب شده بود رنگی . در نتیجه هسه هسه تصاویر پارس هذ بان آور رنگر به صورت لوزان ضبط و پخش شد . گراز های شاه با بانوم سان جمعیت ریخته و دست و در همین موقع بخشی تلویزیونی برناه بر اثر زد و خورد مردم با سواواک قطع وفلا شد . بقیه مراسم بعد ایش خواهد شد . به این ترتیب توله رژیم رژیم مکتوسی خورد . اما اگر به این حالت تمام نشد . گزازه های شاه گزوه را دستگیر کردند و بر ند و اس حا تازه آغاز پاسخ ندان شکر قلبی بود .

۳۰ مأمور گارد شهرانی که حاضر به کشتار مردم نبودند

از خدمت قرار کردند

بهر بیوان (ترحم داده اند . گاردی ها ۲۴ ساعت داده اند) بصورت در عرضی اند ، اما به هنگام هر جنبشی از سواواک مردم ایستادند آنان هستند که باید بی هوش و شرط مردم را سرکوب کنند . گاردی ها از میان ناگاه ترین اضطراری که به نظام گزوه یی ی آورند ، انتفا یی شوند . شرط اصلی انتخاب افراد گزوه شهرانی تبریز این بود ی کردن گفتی به اصطلاح ی کلکی و نیز سادگی محض است . این حد در دشتولترین شرایط تعلیماتی ، با کشف ترین حرفه های تبلیغاتی آماده به اصطلاح شهر سترانشان یی شوند . به آنها حفسه ی شوق کتا به سرکوب یی گوی ی روید که ضد دارند حقیق تان واقع کنند و سایر و خواهرتان را مورد تجاوز قرار دهند .

نهایم در دهستانه رژیم فاشیستی شاه به تظاهرات گرام مسردم شهرها و نظیر کشتار مردم ی دفاع هم تبریز بود و جبر و احوال علاوه بر شتم و نفرتی که بین این شهر در میان مردم بر انگشت است و در ارتش نیز اثرات خود را به صورت های گوناگونی نشان ی دهد . ناراضی شدید قهرمانانی ارتش از سواواک جزا گرفته تا در صده داران وسرازان و هر چه شکلی بریزی کند . آماده باش هلی هلی شاهانه زیدی و غیر قابل تحمل اخیر در ارتش نیز تارهای را سرسب و نشندیده کرد است . خبرهای حقیق حاکی است که در یکی از این صابترین لرها ها و ولاده های رژیم سیاسی که برای سرکوب مردم متنفر از آزاد بیخواه تعلیم ی بینند یعنی در گارد شهسپانس و مسان ایج گوی بریز کرده است . از استان سال پیش تا کنون که اعتراضات و تظاهرات و انشومان مردم در مرصه دانشگاه هه هها و سایر ناگزیرشان سازماندهی شده بود . ۴۰۰ تن از افراد گارد سرکوبی و ادراکام های اول به عهده داشته است . در این مدت حدود ۳۰۰ تن از افراد گارد شهسپانی ناپدید شده اند و از آن ها نفاش در دست نیشند که به احتمال قوی به یقین این عده فرار و بر فرار هم ایستادند . پلیس در نده رژیم و تامل نشان کلکتها های خلقی و حقیق های بخور و ضرر و محتر از صده زیر کوی بالا در استان در زمینه انبیل به سرکوبی ی روضانه حرکت اعتراضی مردم (اینن صچه و

چرا باید مردم را به گلوله بست ؟

به دنبال حادثه خونین تبریز در ارتش طرقات چوه ای به منظور به کارگیری افراد و پرسنل نظامی وضع شد . این مقررات که تا چند روز به شدت برقرار بود و همین هم در برخی از واحدهای مسافر ارتش ایصال ی شود روزگاری بر ارتشبان به ویژه رده های پایین (افسران برده درجه داران وسرازان و پرسنل اداری) سیه کرده و سروده ای آن هارادر آورده است . در کلبه ادارات ارتش از ۲۹ چنین (روزگنشر مردم تبریز) آماده باش اعلام شد . از آن پس همه روز عده سیله چهار کادر همسازان و واحد نظامی و اداری ارتش ی باید از ۷ صبح تا حدود ۱۰ شب در محل کارشان حاضر باشند تا در صورت وقوع حوادث به کار گرفته شوند ؛ عرضی کلیه افسران وسرازان ، در صحنه داران پرسنل اداری به کلی لغو شد و حتی آنها که در عرضی بودند

با ما در امر سراسر گاتیه گیده

Sweden
10028 Stockholm 49
P.O.Box 49034

حساب بانکی سوا

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: O 400 126 50
Dr. Takman

متحد شویم و رژیم ضد ملی و استبدادی شاه را سرنگون کنیم!